

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، پاییز ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۸

«محمد» پیش از محمد ﷺ :

پژوهشی درباره اسناد و مدارک حاوی نام «محمد» پیش از اسلام

عبدالله فرهی^۱

چکیده

«محمد» نام رسول خدا و خاتم النبیین است. گفته می‌شود این نام تا آن زمان بی‌نظیر بود؛ یعنی این نام بر هیچ فردی پیش از وی نهاده نشده بود. اما بشارت به آمدن وی نزد ادیان الهی موجب شده‌است تا صاحبان این ادیان، این مولود مبارک را نه تنها به صفات، بلکه حتی به نام هم بشناسند. روایت‌های برجای مانده در این باره بر اساس منابع تاریخ و سیره نشانگر اهتمام شماری از عرب‌های آشنا با بحث بشارت بعثت پیامبر خاتم برای بهره‌گیری از این نام برای فرزندان‌شان در دوران پیش از بعثت می‌باشد و شمار عرب‌های دارای نام «محمد» پیش از بعثت به اختلاف، ۳، ۴، ۶ و یا ۷ نفر ذکر شده‌است. کهن‌ترین منابع در این باره مربوط به سده سوم هجری است؛ از این رو نمی‌توان به این منابع چندان اعتماد کرد. لوح برجای مانده منسوب به کشتی حضرت نوح علیه السلام، لوح منسوب به حضرت سلیمان علیه السلام، اشارات مکتوب برجای مانده در کتاب مقدس، و همچنین کتیبه کشف شده در یمن توسط مستشرقان از جمله اسنادی است که پیش از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به نام وی با تعبیری چون مؤمئد، حمده، احمد و محمد اشاره کرده‌اند. بررسی این اسناد نشان می‌دهد که لوح منسوب به کشتی حضرت نوح علیه السلام و لوح منسوب به حضرت سلیمان علیه السلام جعلی هستند و برای نخستین بار در کتاب علی و پیامبران سیالکوتی ارائه شده‌اند. ولی اشارات کتاب مقدس با تفسیر افرادی چون عبدالأحد داود قابل تفسیر به نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و در عین حال، کتیبه یمن مشهور به کتیبه «شَرَحَ اِبِلَ يَقْبَلُ ذَوِيزَانَ» در توصیف محاصره نگران (نجران) سندی محکم، اما کمتر شناخته شده‌است. در مجموع معلوم شد که در میان تعابیر قابل اشاره در اسناد و متون موجود به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیش از ولادت ایشان، نام مؤمئد غیر قابل قبول، و نام‌های حمده، احمد و به‌ویژه محمد (م‌حم‌د) قابل پذیرش است.

کلیدواژه‌ها: احمد، حمده، مؤمئد، م‌حم‌د، محمد.

۱. استادیار گروه تاریخ اسلام دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. farrahi@mazaheb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۵/۰۳

“Muḥammad” before Muḥammad (PBUH): a research on documents containing the name “Muḥammad” before Islam

'Abdullāh Farrahī¹

Abstract

“Muḥammad” is the name of God’s Messenger and Seal of the Prophets. It is said that this name was unique until then; that it means, this name was not given to any person before him. But the annunciation of his coming to the divine religions has caused the owners of these religions to recognize this blessed child not only by his attributes, but even by his name. The surviving narratives in this regard, based on historical and biographical sources, indicate the interest of a number of Arabs who are familiar with the discussion of the message of the Prophet’s mission (Besat) to use this name for their children in the era before the mission, and the number of Arabs with the name “Muḥammad” before the mission are mentioned as 3, 4, 6 or 7 people. The oldest sources in this regard are related to the third century AH; therefore, these sources cannot be trusted much. The remaining tablet attributed to the ship of Prophet Noah (a.s.), the tablet attributed to Prophet Solomon (a.s.), the written references left in the Bible, as well as the inscription discovered in Yemen by Orientalists are among the documents that have mentioned his name with interpretations such as Me’adMe’ad, Ḥamdah, Aḥmad and Muḥammad before Prophet’s birth. Examining these documents shows that the tablet attributed to Noah’s Ark and the tablet attributed to Solomon (a.s.) are fake and they were presented for the first time in the book of *‘Alī va Piyāambarān [‘Alī and the Prophets]* written by Sialkotī. However, the references of the Bible can be interpreted as the name of Muḥammad (PBUH) with the interpretation of people like ‘Abd al-Aḥad Dawūd, and at the same time, the Yemeni inscription known as “Šaraḥ-’ Il Yaqbul Dūyaz’an” describing the siege of Najrān (Najrān) is a solid but little-known document. In general, it was found that among the interpretations that are mentioned in the existing documents and texts to the Prophet Muḥammad (PBUH) before his birth, Me’adMe’ad is unacceptable, and Ḥamdah, Aḥmad and especially Muḥammad (MḤMD) are acceptable.

Keywords: Aḥmad, ḤamdaH, Me’adMe’ad, MḤMD, Muḥammad.

1. Assistant Professor, Department of Islamic History, International University of Islamic Denominations, Tehran, Iran. farrahi@mazaheb.ac.ir

درآمد

«مُحَمَّدٌ» واژه‌ای عربی از ریشه ح.م.د است. «حَمَد» به معنای ستایش کردن و متضاد با «دَم» است. این واژه با «حمد/hmd» (به معنای ستایش کردن) در زبان عربی جنوبی (بر اساس کتیبه‌های برجای مانده)، «حَمَد/hamad» (آرزو/طمع کردن) در زبان آرامی، «حَامَد/hāmad» (آرزو کردن، لذت بردن) در زبان عبری، «حمد/hmd» (آرزو کردن) در زبان فنیقی، «حمد/hmd» (خوشایند/دلپذیر بودن، طمع کردن) در زبان اوگاریتی، و «خَمُودُ/hamūdu» (مطلوب/پسندیده/خواستنی) در زبان آگدی هم‌ریشه است (Zammit, 148). گذشته از مفهوم «ستایش»، وجود مفهوم «آرزو» در معنای حمد می‌تواند نشانه‌ای دال بر آن باشد که ظهور مُحَمَّدِ محمود به‌سان آرزویی برای پیروان ادیان الهی سامی زبان بوده است.

قرآن کریم کهن‌ترین متن مکتوب از منابع اسلامی است که در آن به نام مبارک حضرت محمد ﷺ اشاره شده است. نام پیامبر خدا پنج بار - یک بار با نام احمد (صف/۶) و چهار بار با نام محمد ﷺ (آل عمران/۱۴۴، احزاب/۴۰، محمد/۲، فتح/۲۹) در قرآن آمده است.

بحث نگارنده در اینجا، جستجوی نام «محمد» در اسناد و مدارک پیش از اسلام است؛ از این رو قرآن نیز در این پژوهش قابل استناد نیست. البته روایاتی دال بر تلاش برخی عرب‌های عصر جاهلیت برای بهره‌گیری از این نام وجود دارد که پذیرش این‌گونه روایات می‌تواند نشانگر آشنایی ادیان الهی و غیرالهی با نام «محمد» باشد. به اذعان منابع سیره و تاریخ، نام «احمد» اختصاص به رسول خدا دارد و هیچ کس پیش از وی دارای چنین نامی نبوده است، ولی جستجوی نگارنده برای یافتن نام «محمد» در عصر جاهلیت بر اساس منابع تاریخ و سیره منجر به یافتن نام افرادی شد که شاید بتوان از آنها به‌عنوان نخستین کسانی نام برد که از این نام بهره برده‌اند.

نام «محمد» در منابع تاریخ و سیره

شاید نخستین منبعی که از فردی به نام محمد در عصر جاهلیت نام برده، الطبقات الکبری ابن سعد (متوفای ۲۳۰) است. البته به نظر می‌رسد این اشاره ابن سعد ناخودآگاه

باشد. او ضمن اشاره به یکی از صحابی به نام اقرع بن حابس در میان اجداد وی به نام «محمد» اشاره کرده و اجداد این صحابی را چنین برشمرده است: الأقرع بن حابس بن عقاب بن محمد بن سفیان بن مجاشع بن دارم بن مالک بن حنظله بن مالک بن زیدمناه بن تمیم (ابن سعد، ۲۷/۷). ظاهراً نخستین بحث خودآگاه در این باره توسط ابن حبیب (متوفای ۲۴۵) در کتاب *المحبر* انجام شده است. او از نخستین کسانی نام برده است که پس از آگاهی پدرانشان نسبت به بعثت پیامبری به نام «محمد» در میان عرب، «محمد» نامیده شدند: ۱- محمد بن سفیان بن مجاشع، ۲- محمد بن بر بن عتواره بن عامر بن لیث بن بکر بن عبدمناه بن کنانه، ۳- محمد بن خزاعی بن علقمه بن محارب بن مره بن هلال بن فالج بن ذکوان السلمی، ۴- محمد بن حمران بن مالک الجعفی، ۵- محمد بن عقبه بن أحيحة بن الجلاح الأوسی، ۶- محمد بن مسلمة الأنصاری و ۷- محمد بن الحرماز بن مالک بن عمرو بن تمیم. بر اساس این روایت، تنها سفیان بن مجاشع به شام نزد یک راهب می‌رود و وقتی آن راهب متوجه می‌شود که سفیان از عرب‌های مضر است، بشارت بعثت پیامبری را به نام «محمد» در میان عرب به او می‌دهد. به همین سبب، سفیان وقتی صاحب فرزند پسر شد، نامش را «محمد» نهاد (ابن حبیب، ۱۵۵-۱۵۶). ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) در *المعارف* (۵۵۶) ضمن بحث از اولین‌ها در اسلام، صراحتاً و البته بدون هیچ توضیحی از سه نفر در عصر جاهلیت نام برده است که دارای نام «محمد» بودند: ۱- محمد بن أحيحة بن الجلاح (برادر مادری عبدالمطلب)، ۲- محمد بن سفیان بن مجاشع بن دارم و ۳- محمد بن سواء بن جشم بن سعد (البته ظاهراً در بیان نسب نفر سوم افتادگی رخ داده و نام اجداد وی به گزارش ابن عساکر (متوفای ۵۷۱، ۹۹/۴۰)، محمد بن عدی بن ربیع بن سواء بن جشم بن سعد است).

ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰) روایتی دقیق‌تر با ذکر سند در این باره به نقل از عدی بن ربیع آورده است که ظاهراً منبع بسیاری از آثار بعدی هم همین نقل قول‌ها بوده است که بر اساس آن، شمار افراد «محمد» نام، ۴ نفر و همگی از بنوتمیم دانسته شده‌اند. وی نام پدران آنها را چنین آورده است: ۱- سفیان بن مجاشع بن دارم، ۲- یزید بن ربیع بن کلبه بن حرقوص بن مازن، ۳- اسامه بن مالک بن العنبر و ۴- عدی بن ربیع بن سواء

بن جشم بن سعد (که راوی اصلی این روایت هم همین فرد اخیر است). این افراد بر طبق این روایت نزد ابن جفنه، پادشاه غسان، در شام رفتند و در ضمن سفر، در آنجا با شخصی برخورد کردند که به آنها خبر بعثت فردی به نام محمد را در میان آنها داد. لذا آنها پس از بازگشت، نام نوزادان پسر خود را محمد نهادند (ابونعیم اصبهانی، ۱/۱۸۳؛ ابن عساکر ۹۹/۴۰-۱۰۲؛ حمیری کلاعی اندلسی، ۱/۱۰۹-۱۱۰ که نام نفر سوم را أسامه بن مالک بن خندف نوشته است؛ برای روایات بیشتر از عدی بن ربیع نک. ابن اثیر، ۴/۳۲۸-۳۲۹). ابونعیم اصبهانی (۲۰۲/۱-۲۰۳) در روایتی دیگر به نقل از احمد بن اسحاق از کتاب *الدلائل* محمد بن احمد بن سلیمان الهروی چنین نوشته است که وقتی عرب‌ها از راهی شنیدند که قرار است پیامبری در میان آنها برانگیخته شود، گروهی از آنها به این امید که این پیامبر فرزند آنها باشد، نام فرزندانشان را محمد نهادند که این مولودهای «محمد» نام، عبارتند از: ۱- محمد بن اخیحه بن الجلاح الأوسی، ۲- محمد بن حمران بن مالک الجعفی و ۳- محمد بن خزاعی بن علقمه بن محارب بن مره بن هلال بن فالح بن ذکوان. ابن اثیر (متوفای ۶۳۰، ۴/۳۰۲، ۳۱۶) شمار این افراد را به نقل از همان ابونعیم به شش نفر رسانده و تلاش کرده تا دو روایت را ابونعیم جمع کند. او منبع روایت ابونعیم برای هر شش نفر را همان کتاب *الدلائل* هروی دانسته است: ۱- محمد بن اخیحه بن الجلاح الأوسی نخستین فردی بود که در میان عرب «محمد» نام گرفت. جالب است که نام همسر اخیحه هم سلمی بنت عمرو (مادر عبدالمطلب) ذکر شده است! چیزی که وقوع آن بسیار بعید است؛ لذا حدس زده شده که احتمالاً در نام این فرد افتادگی و تصحیفی رخ داده باشد و نام درست این فرد المنذر بن محمد بن عقبه بن اخیحه بن الجلاح، یکی از صحابی حاضر در جنگ بدر بوده است، ۲- محمد بن سفیان بن مجاشع، ۳- محمد بن البراء، ۴- محمد بن حمران بن مالک الجعفی، ۵- محمد بن خزاعی بن علقمه بن محارب بن مره بن هلال بن فالح و ۶- محمد بن عدی بن ربیع بن جشم بن سعد.

سهیلی (متوفای ۵۸۱، ۲/۱۵۱) به نقل از *الفصول* ابن فورک افراد هم‌نام رسول خدا را در آستانه بعثت سه نفر به شرح زیر دانسته است: ۱- محمد بن سفیان بن مجاشع (جد دوم فرزندق شاعر)، ۲- محمد بن اخیحه بن الجلاح بن الحریش بن جمحی بن کلفه بن عوف

بن عمرو بن مالک بن الأوس و ۳- محمد بن حمران بن ربیعہ. ابن خلکان (متوفای ۶۸۱، ۹۸/۶) و مقریزی (متوفای ۸۴۵، ۱۴۰/۲) نیز این مطلب سهیلی را تکرار کرده‌اند. ابن حجر (متوفای ۸۵۲، ۲۵۷/۶) هم همین مطلب را به نقل از *روض الأنف سهیلی* آورده و به محمد بن اسامه بن مالک بن جندب بن العنبر بن تمیم نیز اشاره کرده و بیان داشته که وی پیش از بعثت درگذشته است. حمیری کلاعی (متوفای ۶۳۴، ۱۰۹/۱-۱۱۰) شمار «محمد» نام‌های پیش از رسول‌الله را تنها این سه تن دانسته است: ۱- محمد بن سفیان بن مجاشع التیمی، ۲- محمد بن أحيحة بن الجلاح و ۳- فردی از ربیعہ (که احتمالاً منظورش محمد بن عدی بن ربیعہ بوده است). به گفته وی، پدران این افراد به نزد پادشاهانی آشنا به کتب پیشینیان رفتند و باخبر شدند که در همان زمان فردی به نام محمد به پیامبری برانگیخته خواهد شد. پس، هرکدام از آنها تصمیم گرفت که همسرش را باردار کند و نذر کرد که اگر فرزندش پسر شد، نامش را محمد بگذارد. سپس، او به روایت دیگری در این باره اشاره کرده است که به روایت اول ابونعیم اصفهانی شباهت دارد و هر دو از یک منبع هستند. ابن کثیر (متوفای ۷۷۴، ۲۵۹/۲) و مقریزی (متوفای ۸۴۵، ۱۴۰/۲-۱۴۱) نیز به نقل از *الشفاء قاضی عیاض* به نام شش نفر اشاره کرده‌اند: ۱- محمد بن احيحة بن الجلاح الأوسی، ۲- محمد بن سلمه الأنصاری، ۳- محمد بن البراء الکندی، ۴- محمد بن سفیان بن مجاشع، ۵- محمد بن حمران الجعفی و ۶- محمد بن خزاعی السلمی. یکی از کامل‌ترین گزارش‌ها در این باره، گزارش نویری (متوفای ۷۳۳، ۷۵/۱۶-۷۹) در *نهاية الأرب* است که ضمن اشاره به انحصار نام «احمد» برای پیامبر خدا، روایت‌هایی از *الروض الأنف سهیلی*، *المحبر ابن حبيب*، *خزانة الأدب بغدادی*، *أسد الغابه* ابن اثیر و *شرح المواهب* زرقانی ذکر کرده و در پایان هم نام پیامبر خدا را در کتب پیشینیان با تعبیری چون «بارقلیط» (به معنای روح حق و جدا کننده حق از باطل در *انجیل*)، «ماذماذ» (که شباهت این واژه به *مئدمئد جالب* و قابل تأمل است)، «حمطایا»، «مشفج»، «المنحنما» (به سریانی) و «أحید» (در تورات) ضبط کرده است.

از «محمد»‌های هم‌عصر با پیامبر خدا می‌توان به این افراد اشاره کرد: محمد بن ابی بن کعب (ابن اثیر، ۳۰۱/۴)، محمد بن الأشعث بن قیس الکندی، محمد مولی رسول‌الله (که



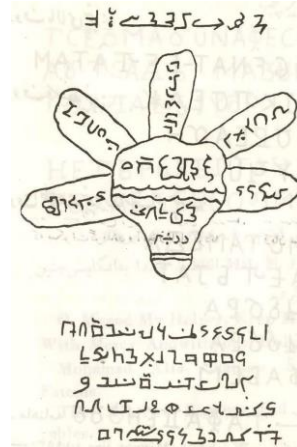
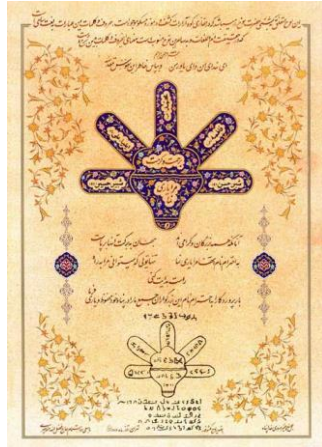
گفته می‌شود نامش در ابتدا ماناهیه و از تاجران مجوس مرو در خراسان بود که به‌دست رسول‌الله در مدینه مسلمان شد و پیامبر خدا او را محمد نامید، محمد بن عبدالرحمن بن سمره بن حبيب بن عبدالشمس (مونس، ۹۲)، محمد بن ابی‌سفیان بن حرب بن امیه بن عبدالشمس که مادرش عاتکه نام داشت (ابن‌اثیر، ۳۱۷/۴؛ مونس، ۹۳). محمد بن عبدالله بن حارث بن امیه (معروف به امیه کوچک) بن عبدالشمس، محمد بن عبدالله بن سعید بن العاص بن سعید بن العاص بن امیه بن عبدالشمس که گفته می‌شود نام پدرش در دوره جاهلیت حکم بود و پیامبر ﷺ نام وی را پس از اسلام آوردن به عبدالله تغییر داد (ذهبی، ۳۵۷/۴؛ مونس، ۹۲). شاید این دو نفر اخیر نخستین افراد در تاریخ اسلام باشند که خودشان هم‌نام رسول خدا و پدرشان هم‌نام پدر ایشان بوده‌اند. جالب است که محمد بن عبدالله بن حارث دارای نوه‌ای به نام محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بوده‌است (فاسی، ۲۷۳/۲؛ مونس، ۹۲). در ضمن، گفته می‌شود نخستین «محمد»هایی که هم‌نام رسول‌الله بودند و کنیه آنها همانند پیامبر ﷺ ابوالقاسم بود، عبارتند از: ۱- محمد بن طلحه، ۲- محمد بن علی، ۳- محمد بن الأشعث و ۴- محمد بن سعد (ابن‌اثیر، ۳۰۴/۴). محمد بن ابی‌سلمه بن عبدالأسد مخزومی که مادرش ام‌سلمه همسر رسول خدا بود. محمد بن شرحبیل الأنصاری از بنی‌الدار، محمد بن الشرید بن سوید الثقفی، محمد بن صفوان الأنصاری، محمد بن صیفی القرشی، محمد بن صیفی الأنصاری، محمد بن ضمیره (که رسول خدا او را محمد نامید و شاهد فتح مکه بود)، محمد بن طلحه بن عبیدالله القرشی التیمی (که نام او را هم رسول خدا محمد نهاد)، محمد بن عاصم بن ثابت بن ابی‌الأفلح (که شاهد بیعت رضوان بوده‌است)، محمد بن عبدالله بن ابی بن سلول، محمد بن عبدالله بن جحش، محمد بن عبدالله بن سلام الإسرائیلی (که پدرش از احبار یهود بود و اسلام آورد)، محمد بن ابی‌بکر (فرزند خلیفه اول)، محمد بن عمرو بن العاص، محمد بن قیس بن مخرمه بن المطلب بن عبدمناف (همان، ۳۱۷/۴-۳۳۴).

در ادامه نام محمد ﷺ با توجه به اسناد و کتیبه‌های برجای‌مانده بر اساس روندی تاریخی از کهن‌ترین زمان تا زمان هجرت رسول خدا جستجو خواهد شد. این بررسی با لوح منسوب به کشتی حضرت نوح عليه السلام آغاز شده و با متون برجای‌مانده از

کتاب‌های مقدس یهودیان و مسیحیان در دو بخش عهد قدیم و عهد جدید، و لوح منسوب به حضرت سلیمان عليه السلام ادامه یافته است. کتیبه برجای مانده در یمن هم به‌عنوان سندی بی‌نظیر در پایان مقاله بررسی شده است.

لوح پنج‌تن

لوح مخطوط بر جامانده از کشتی نوح به نام لوح پنج‌تن معروف است. اداره کل باستان‌شناسی روسیه برای تحقیق از چگونگی لوح به‌دست آمده از کشتی نوح و خواندن آن، هیأتی مرکب از هفت نفر از مهم‌ترین باستان‌شناسان و اساتید خط‌شناس و زبان‌دان روسی و چینی را مأمور تحقیق و بررسی کردند. این هیئت پس از هشت ماه تحقیق، مطالعه و مقایسه حروف آن با نمونه سایر خطوط و کلمات قدیم به‌صورت توافقی گزارش زیر را در اختیار اداره باستان‌شناسی روسیه گذاشتند: ۱- این لوح مخطوط چوبی از جنس همان پاره‌تخته‌های مربوط به کاوش‌های قبلی و متعلق به کشتی نوح است، منتها لوح مزبور مثل سایر تخته‌ها آن قدرها پوسیده نشده است و طوری سالم مانده که خواندن خط‌های آن به آسانی امکان‌پذیر است؛ ۲- حروف و کلمات این عبارات به لغت سامی است که در حقیقت أم‌اللغات (ریشه لغات) و به سام بن نوح منسوب است؛ ۳- معنای این حروف و کلمات بدین شرح است: «ای خدای من و ای یاور من، به رحمت و کرمت مرا یاری کن و به پاس این نفوس مقدسه: پارقلیطا مندمند (مُحمّد)، ایلیا (علی)، طیطه (فاطمه)، شَبْر (حَسَن)، شَبِیر (حُسَین)، که همه بزرگ و گرامی‌اند، جهان به برکت آنها برپاست، به احترام نام آنها مرا یاری کن؛ تنها تویی که می‌توانی مرا به راه راست هدایت کنی» (متن لوح به نقل از بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ۴۵؛ نام پنج‌تن بر اساس ترجمه متن لوح از روسی به انگلیسی در ترجمه فارسی کتاب علی و پیامبران سیالکوتی بدین شکل نوشته شده‌اند: ۱- به انگلیسی: Mohamad, Alia, Shabbar, Shabbir, Fatema؛ ۲- به فارسی: محمد، ایلیا، شبر، شبیر و فاطمه، نک. سیالکوتی، ۴۱-۴۲).



تصویر لوح پنج‌تن منسوب به کشتی حضرت لوح بازسازی شده و منتشر شده در سایت‌ها نوح عليه السلام (سیالکوتی، ۳۹)

این گزارش برای نخستین بار توسط ماهنامه *اتفاذ نیزوب مسکو* در نوامبر ۱۹۵۳ منتشر شد. سپس، دانشمند انگلیسی ان. اف. ماکس^۱، استاد زبان‌های باستانی در دانشگاه منچستر، ترجمه روسی این کلمات را به زبان انگلیسی برگردانید و عیناً در این مجله‌ها و روزنامه‌ها چاپ و منتشر شد: ۱- مجله *هفتگی ویکلی میرر لندن*، شماره ۲۸ دسامبر ۱۹۵۳م؛ ۲- مجله *استار انگلیسی لندن*، شماره مربوط به کانون دوم ۱۹۵۴م؛ ۳- روزنامه *سن لایت منچستر*، شماره کانون دوم ۱۹۵۴م؛ ۴- روزنامه *ویکلی میرر تاریخ یکم شباط ۱۹۵۴م*؛ ۵- روزنامه *الهدی قاهره*، ۳۰ مارس ۱۹۵۳م. سپس محدث پاکستانی، سید محمود گیلانی که زمانی مدیر روزنامه *اهل الحدیث* پاکستان بود، آن گزارش را به زبان اردو در کتابی به نام *ایلیا مرکز نجات ادیان العالم* ترجمه و نقل کرده است (شماره ۴۲، لاهور: نشریه دارالمعارف اسلامیه، ۱۳۸۱ق. به نقل از حسینی طهرانی، ۲۰۲/۹، پاورقی ۱. البته حسینی طهرانی در متن همین صفحه از نویسنده با نام سید محمود گیلانی نام برده است). آنگاه مجله *بذره نجف* در شماره‌های شوال و ذوالقعدة ۱۳۸۵، سال اول، صفحه ۷۸ الی ۸۱ با عنوان: «نام‌های

1. N. F. Maks.

مبارکی که حضرت نوح بدان‌ها توسّل جست» از اردو به عربی ترجمه و نقل کرده است (سیالکوتی، ۳۵-۴۲). حسینی طهرانی (۱۹۷/۹-۲۰۴)، صادقی تهرانی (۱۹۷-۱۹۸) و بی‌آزار شیرازی (باستان‌شناسی، ۴۵) هم ظاهراً این روایت را به نقل از مجله درس‌هائی از مکتب اسلام (سال ۱۲، شماره ۱۰، شماره مسلسل ۱۴۲، ۱۳۹۱ق) و آن هم به نقل از مجله بَدْره نجف آورده و بدون هیچ‌گونه سندی محل نگهداری این لوح را موزه آثار باستانی مسکو ذکر کرده‌اند. سایت خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) هم همین ماجرا را به نقل از معادشناسی حسینی طهرانی بازنشر کرده است: «توسل انبیای الهی به پنج تن آل عبا در کلام علامه طهرانی»، ۱۷ دی ۱۳۸۶ش). اما سایت خبرگزاری تسنیم ضمن ارائه تصویری بی‌کیفیت و ناخوانا مدعی شده‌است که لوح به‌دست آمده هم اکنون در موزه واتیکان رُم قرار دارد («کتیبه نوح علیه السلام که روی آن نام پنج‌تن آل عبا است + عکس»، ۶ فروردین ۱۳۹۶ش).

این داستان فاقد سند در محافل مذهبی رواج یافت و تا به امروز در میان رسانه‌های گوناگون دست‌به‌دست می‌شود (به‌عنوان نمونه نک. اویسی، «کتیبه نوح علیه السلام که روی آن نام پنج تن آل عبا است»، ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ش). ارائه این داستان با تفصیل بیشتر درباره محل کشتی حضرت نوح علیه السلام (به‌عنوان یکی از پژوهش‌های نسبتاً جامع انجام شده درباره محل فرود کشتی حضرت نوح علیه السلام از منظر قرآن، تورات، تفاسیر، منابع روایی و پژوهش‌های باستان‌شناختی نک. شیخ شعاعی و مسجدی، «بررسی باستان‌شناسی...»؛ بی‌آزار شیرازی، کشف کشتی نوح در جودی، تمام صفحات) و سعی در مستند کردن این شواهد باستان‌شناختی به شماری از روایات به‌ویژه در مطالب ارائه شده توسط کاربران انجمن گفت‌وگوی دینی وابسته به مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی قابل مشاهده است. البته آنها هم در ارائه هرگونه سند محکمی تاکنون ناتوان بوده‌اند («کشف کشتی نوح با کتیبه ۵ تن آل عبا پس از ۴۰۰۰ سال + عکس‌ها»، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ش).

آثاری چون علی و پیامبران سیالکوتی با ترجمه مختاری، معادشناسی سید محمدحسین حسینی طهرانی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، بشارات عهدین محمد صادقی تهرانی و نشریه‌ها و



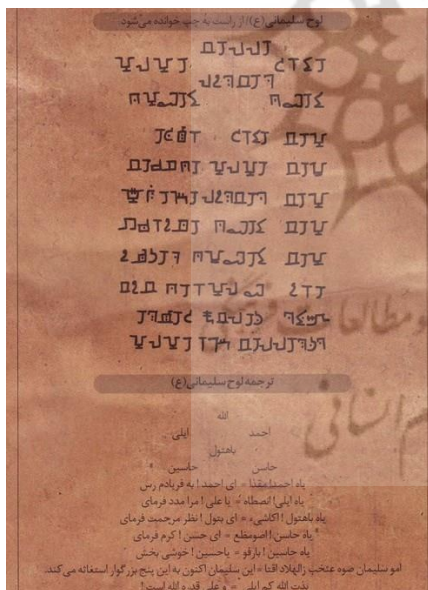
رسانه‌هایی چون مکتب اسلام، ایکنا، مؤسسه قرآن و نهج البلاغه، خیرگزاری تسنیم، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، و مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی به بحث از لوح پنج‌تن منسوب به کشتی حضرت نوح عليه السلام پرداخته و چگونگی اکتشاف و بازخوانی متن این لوح را همان‌گونه که در بالا اشاره شد، گزارش کرده‌اند. منشأ این داستان در متون فارسی کتاب *علی و پیامبران سیالکوتی* است که توسط فردی به نام سید محمد مختاری ترجمه و شرح شده‌است. این منبع برای این داستان همان‌گونه که اشاره شد ارجاعاتی را به زبان‌های روسی، انگلیسی و عربی در مجلات دست و پا کرده است که ظاهراً هیچ‌کدام وجود خارجی ندارند و جستجوی نگارنده این مقاله برای یافتن این ارجاعات در مجلات مذکور تاکنون بی‌ثمر بوده‌است. لذا به‌ناچار باید چنین اذعان کرد که این ادعا جعلی و مردود است. از جمله سایت‌هایی که به ردّ این ادعای مشهور پرداخته‌اند، سایت فکت‌نامه است که ظاهراً با جستجوی این داستان در مجلات مذکور و مراجعه به متخصصانی چون کریستوفر رولستون، استاد ادبیات و زبان‌های سامی شمال غربی در دانشگاه جرج واشنگتن،^۱ به ردّ این ادعا و به تعبیر خودشان «دروغ شاخ‌دار»، پرداخته‌اند («کتیبه‌های جعلی سلیمان و نوح از کجا آمده‌اند؟»، ۲۸ آبان ۱۳۹۷).

لوح سلیمانی

طی جنگ جهانی اول (۱۹۱۶م) هنگامی که عده‌ای از سربازان انگلیسی در چند کیلومتری بیت‌المقدس مشغول سنگ‌گیری و حمله بودند، در دهکده کوچکی به نام «اونتره» یک لوح نقره‌ای پیدا کردند که حاشیه‌اش به جواهرات گران‌بهای مرصع و در وسطش، خطوطی به حروف طلائی نگارش یافته بود و چون آن را نزد فرمانده خود، «میجر ای. ان. گریندل» بردند. او هرچه کوشید نتوانست از آن چیزی بفهمد، اما دریافت که این نوشته به زبان و خطی بسیار قدیمی است و بالاخره این لوح، به‌وسیله وی دست

1. Christopher A. Rollston, Department Chair, Professor of Northwest Semitic Languages and Literatures.

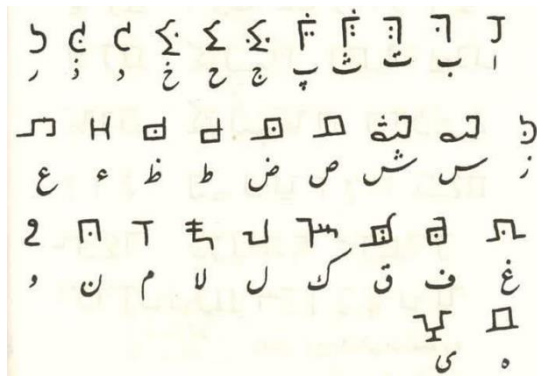
به دست شد تا به فرماندهان ارتش بریتانیا، لیفتونانت و گلدستون^۱ رسید و آنها هم آن را به دست باستان‌شناسان بریتانیا سپردند. آنها پس از پایان جنگ (۱۹۱۸م) درباره لوح مذکور به تحقیق و بررسی پرداختند و کمیته‌ای تشکیل دادند که اساتید شناخت زبان‌های باستانی بریتانیا، آمریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی، عضو آن کمیته بودند. پس از چند ماه بررسی و تحقیق در سوم ژانویه ۱۹۲۰ معلوم شد که این لوح مقدسی به نام «لوح سلیمانی» است و سخنانی از حضرت سلیمان علیه السلام را در بردارد که به الفاظ عبرانی قدیم نگارش یافته است. ترجمه آن لوح چنین است: «الله؛ احمد؛ ایلی؛ باهتول؛ حاسن؛ حاسین؛ یاه احمد؛ مقذا = ای احمد! به فریادم رس! یا ایلی! انصطاه = یا علی! مرا مددی فرمای! یاه باهتول! اکاشی = ای بتول! نظر مرحمت فرمای! یاه حاسن! اضو مطع = ای حسن! کرم فرمای! یاه حاسین! بارفو = یا حسین! خوشی بخش! امو سلیمان صوه عنخب زالهلالد اقتا = این سلیمان اکنون به این پنج بزرگوار استغاثه می‌کند! بذات الله کم ایلی = و علی قدره الله است».



لوح سلیمانی به همراه متن فارسی

تصویر لوح مشهور به لوح سلیمانی
(سیالکوتی، ۲۹)

1. Liftonant & Glad Stone.



حروف زبان عبری منسوب به زمان حضرت سلیمان عليه السلام (سیالکوتی، ۳۰)

چون این خبر به اسقف اعظم انگلستان رسید، فرمان محرمانه‌ای به کمیته نوشت که خلاصه‌اش این است: اگر این لوح در موزه گذاشته شود و در دید مردم قرار گیرد، اساس مسیحیت متزلزل خواهد شد و سرانجام خود مسیحیان، جنازه مسیحیت را بر دوش بلند می‌کنند و در قبر فراموشی دفن خواهند کرد، بنابراین بهتر آن است که لوح مذکور در رازخانه کلیسای انگلستان گذارده شود و جز اسقف و اهل سرکسی آن را نبیند. کسانی که این لوح را دیدند و بینشی داشتند گرایشی عجیب به اسلام و مذهب اهل بیت عليهم السلام پیدا کردند. از جمله دو دانشمند به نام‌های «ولیم» و «تامس» که هر دو مسلمان شدند و به ترتیب نام‌هایشان به «کرم‌حسین» و «فضل‌حسین» تغییر کرد (سیالکوتی، ۲۷-۳۴؛ امیری سوادکوهی، ۱۸۲-۱۸۴؛ «لوح باستانی توسل حضرت سلیمان عليه السلام به پنج تن آل عبا»، ۱ بهمن ۱۳۹۶ش؛ «کتیبه سلیمان عليه السلام که روی آن نام پنج تن آل عبا است + عکس»، ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ش).

کتاب *علی و پیامبران سیالکوتی*، کتاب *اتمام حجت محمد امیری سوادکوهی*، مقاله اینترنتی «علی در کتاب‌های آسمانی»، اخبار منتشر شده در سایت‌های تبیان، باشگاه خبرنگاران جوان، خبرگزاری تسنیم و العتبه الحسينیه المقدسه از جمله آثاری هستند که به ارائه و بازتاب گزارش‌هایی درباره این کتیبه پرداخته‌اند. منبع اصلی این داستان هم باز کتاب *علی و پیامبران سیالکوتی* است که سایرین بر اساس آن به انتشار مطالب این کتاب پرداخته‌اند. البته خود سیالکوتی (۳۳-۳۴) منبع خود را کتابی انگلیسی به نام

داستان‌های شگفت‌انگیز اسلام^۱ (چاپ لندن، ص ۲۴۹) و مجله‌های الاسلام (دهلی، فوریه ۱۹۲۷م) و مسلم کرانیکل (لندن، ۳۰ دسامبر ۱۹۲۶م) ذکر کرده است. سایت فکت‌نامه باز یکی از معدود جاهایی است که نسبت به بازتاب گسترده این داستان در سایت‌های مختلف واکنش نشان داده و ضمن رد کتیبه منسوب به کشتی حضرت نوح علیه السلام، به رد اصالت کتیبه سلیمانی و جعلی بودن آن پرداخته است. فکت‌نامه بررسی اصالت این لوح را از کریستوفر رولستون درخواست کرده و این استاد دانشگاه جورج واشنگتن در پاسخ به آنها چنین نوشته است: «من با دقت این متن را بررسی کردم. بدون شک این متن به زبان و خط عبری باستان نوشته نشده است. بدین معنی که نه عبری قدیم عصر آهن است و نه خط عبری دوره‌های پارسی، هلنی یا رومی. این متن نه به زبان فنیقی نوشته شده است، نه آرامی، نه فلسطینی باستانی، نه موآبی، نه عمونی، و نه به زبان ادومی. در واقع، این متن اصلاً باستانی نیست. یک جعل مدرن خام و نپخته است» («کتیبه‌های جعلی سلیمان و نوح از کجا آمده‌اند، ۲۸ آبان ۱۳۹۷ش).

کتاب مقدس

بود در انجیل نام مصطفی
و آن گروه دیگر از نصرانیان
آن سر پیغامبران، بحر صفا
نام احمد داشتندی مُستهان

(مولوی، ۴۷/ ابیات ۷۲۷، ۷۳۴)

عبدالأحد داود در ریشه‌شناسی واژه محمد در زبان عربی به واژه‌های عبری مَحْمَد، مَحْمَد، حَمَدَه و حَمَد اشاره کرده است؛ واژه‌هایی که بارها در سرتاسر کتب عهد قدیم تکرار شده است. حَمَد هم از ریشه مشترک «ح.م.د» در تمام زبان‌های سامی و به معنای عاشق شدن، چیزی را سخت آرزو کردن و اشتیاق سوزان برای تحقق آرزویی است.

۱. Wonderful Stories of Islam: جستجوی نگارنده برای یافتن این کتاب بی‌ثمر بود؛ اما جالب است که سایت العتبه الحسينيه المقدسه ضمن نقل مطلب مذکور در مقاله درباره لوح سلیمانی و ارائه تصویری به اشتباه از لوح پنج‌تن منسوب به کشتی حضرت نوح علیه السلام، منبع خود را همین کتاب انگلیسی ذکر کرده است: «استغاثه حضرت سلیمان به (پنج تن آل عبا)»، ۲۴/۳/۲۰۱۵م).



حَمِدِ اسم مذکر و از مشتقات ریشه حَمَدَ به معنای آرزو، طمع، لذت، مقصد و انتظار است که مؤنث آن حِمْدَه است. اما واژه‌های مَحْمَد و مَحْمَد اسم مفعول از ریشه حَمَد و به معنای مطلوب، مرغوب، نفیس، معبود و مقصود به کار رفته است که با مَحْمَدِ عربی هم‌ریشه است. با وجود این، نخستین بار محمد به‌عنوان نام خاص برای یک شخص مشخص برای فرزند آمنه و عبدالله در تاریخ استفاده شده‌است که به تعبیر عبدالأحد داود همین هم به‌تنهایی یک معجزه است (Dawud, 147-149؛ بنیامین، ۱۶۲-۱۶۳). البته در این باره، باید چند تلاش ناموفق عرب دوره جاهلیت را در صورت پذیرش روایات مربوطه که در ابتدای بحث آوردیم، استثنا کرد).

خداوند در آیه ۱۵۷ سوره اعراف با ذکر اوصاف پیامبر ﷺ روی مسئله «صفات، علامت‌ها و نشانه‌های او در کتب آسمانی پیشین» تکیه می‌کند و می‌فرماید: «پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که به صورت مکتوب نزدشان است، می‌یابند». عبدالأحد داود از جمله افرادی است که به دقت به دنبال این نشانه‌ها در کتاب مقدس گشته و نشانه‌هایی یافته است. او بر این باور بود که از محمد ﷺ در کتاب حَگْیِ نبی با نام «حَمْدَه» نام برده شده‌است: «خداوند لشگرها [يَهُوه صباوث] می‌فرماید که تمامی ملل را تکان خواهم داد و «حَمْدَه» [חַמְדָה^۱ احمد] همه ملت‌ها خواهد آمد و من این خانه را مملو از جلال خواهم کرد. خداوند لشگرها می‌فرماید که نقره از آن من است. خداوند لشگرها می‌فرماید که خانه آخرین من از خانه اولین من جلال و عزت عظیم‌تری خواهد داشت و خداوند لشگرها می‌فرماید که در این مکان به شما «شالم» [اسلام] خواهم بخشید (حَگْیِ نبی، فصل ۲، آیه ۷؛ برای مطالعه اصل متن عبری این عبارت در عهد قدیم، نک. *תורה, נביאים, כתובים*, "חגי", [۲: ۷], ۷۰۸؛ Dawud, 23؛ بنیامین، ۱۹-۲۰).

عبدالاحد داود بر این باور بود که «حَمْدَه» همان «احمد» مذکور در کلام حضرت عیسی عليه السلام است که در قرآن هم به آن اشاره شده‌است: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنَ

۱. با تلفظ «خَمْدَت» در گویش اشکنازی و رسمی اسرائیلی.

بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده توراتی هستم که قبل از من فرستاده شده، و بشارت دهنده به پیامبری که بعد از من می‌آید و نام او احمد است». هنگامی که او [= احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری آشکار است» (صف ۶). در انجیل یوحنا که به زبان یونانی است، به جای «حَمَدَه» یا «احمد»، از پَرَكْلِئُس (فارقلیط/فریقلیط) استفاده شده است که جعلی یونانی برای همان «حَمَدَه» یا «احمد» به معنای ستوده، برگزیده و متعالی است (Dawud, 24؛ بنیامین، ۲۱). بنا به نوشته انجیل یوحنا، باب ۱۴، بند ۱۶: «و من از پدر خواهم خواست و او فریقلیط دیگری به شما خواهد داد که تا ابد با شما خواهد ماند»، معنای دقیق و ریشه‌ای فریقلیط، «ستوده‌ترین، باشکوه‌ترین، برگزیده‌ترین و ارجمندترین» است. این واژه در نسخه سریانی کتاب مقدس «پَرَكْلِئُس» نوشته شده و در نسخه‌های زبان آرامی از مَحْمَدَه و حَمِيدَه (معادل محمد و احمد) استفاده شده است. جالب آنکه گفته می‌شود حتی نام پریکلیت هم بر اساس آثار برجای مانده از یونان باستان بر هیچ‌کس نهاده نشده و تنها از فردی به نام «پریکلین» نام برده شده است که به معنای «والا و برجسته» است. لذا حتی این یک مورد هم معنای صفت عالی پریکلیت را نمی‌دهد. سبحانی (۹۸) هم در کتاب *احمد، موعود الانجیل* به نقل از *دائرةالمعارف الفرنسیه الکبری*، محمد را از ریشه حمد به معنای بسیار محمود و مترادف احمد دانسته است که با واژه «فارقلیط» (باراکلیتوس) که ترجمه آن هم بسیار محمود است، هم‌معناست (برای بحثی درباره انطباق این اشارات بر دو «محمد» (پیامبر اکرم و امام زمان) نک. امامی کاشانی، ۳۳۲/۱-۳۴۱).

کتیبه یمن

کتیبه‌ای بزرگ به تاریخ ژوئیه ۵۲۳ که بر صخره‌ای در چاه‌های حمی واقع در ۹۰ کیلومتری شمال شرق واحه نجران حک و به نام کتیبه یمن مشهور است. نویسندگان این کتیبه شَرَحِ اِبْلِ یَقْبَلِ ذَوِیْزَانَ، شاهزاده‌ای از خاندانی قدرتمند بود که به یهودیت گرویده

بود. پادشاه یوسف آسار یثأر او را مأمور نظارت بر بازپس‌گیری این واحه کرد و شَرَح ایل یَقْبُل ذویزآن طی لشکرکشی به این واحه به نگارش سه کتیبه فرمان داد؛ یکی در گوگب به تاریخ ژوئن ۵۲۳ و دو کتیبه در حمی به تاریخ ژوئیه ۵۲۳ (روبن، ۲۸۷؛ البته یوزف فان‌اس به نقل از آلبرت یامه این کتیبه را سنگ‌نوشته‌ای از دوران متأخر سبئی‌ها متعلق به سال ۵۱۸ دانسته است که به نظر می‌رسد درباره سال نگارش این کتیبه دچار اشتباه شده‌است. نک. [van. Ess, I/3, [Fußnote: 3].



کتیبه شَرَح ایل یَقْبُل ذویزآن در توصیف محاصره نجران (نجران)

پادشاه یوسف آسار یثأر همان «مَسْرُوق» در منابع سریانی، «دوناس» در منابع یونانی و «زُرْعَه ذونواس» در منابع عربی است که پس از مرگ معدی‌کَرَب یَعْفُور (حک. ۵۱۹-۵۲۱/۵۲۲م) به فرمان «کَالِبِ اِلَّا اَصْبِحَه» (هَلِستیوس) به پادشاهی رسید. او ضمن قتل عام مسیحیان و سوزاندن کلیساها، سپاهی به فرماندهی شاهزاده‌ای یهودی به نام شَرَح ایل یَقْبُل ذویزآن در ژوئن و ژوئیه ۵۲۳ به واحه نجران فرستاد که سلطه پادشاه حمیری را به رسمیت نمی‌شناختند. او طی نبردهایی که شرح آنها در کتیبه‌هایی هم ثبت شد، مقاومت مسیحیان نجران را در هم کوبید و آنجا را از باقی عربستان جدا کرد

(Robin, 147؛ روبن، ۲۶۸-۲۷۰).

واژه پایانی سطر دوازدهم این سنگ‌نوشته «بمحمد» است. نظر به اهمیت این تعبیر در این سند محکم، در اینجا آوانگاری انگلیسی و فارسی، و همچنین ترجمه فارسی دو سطر پایانی این سنگ‌نوشته، یعنی سطرهای یازدهم و دوازدهم ارائه می‌شود:

آوانگاری انگلیسی:

VI. Bi'r Ḥimā Inscription (Ja 1028)[15]

11. wṣṭ / m'tm / wkbḥfirt / smyn / wtdyn / w'dn / 'sdn / dn / msndn / bn / kl / ḥssm / wmḥd'm / wrḥmnn / 'lyn / b-

12. n / kl / mḥd'm / dyhmshw / wtf / wstr / wqdm / 'ly / sm / rḥmnn / wtf / tmmm / dhdyt / rbhd / bmḥmd.

آوانگاری فارسی:

حمی، ژوئیه ۵۲۳ زبان سبئی

۱۱ وست ماتم وکبخفرت سمین وارضن واذن اسدن ذن مسندن بن کل خسسم و مخدعم و رحمنن علین ب
۱۲ ن کل مخد (ع) م بن م (ص) ... و تف وسطر و قدم علی سم رحمنن و تف تممم
ذحضیت ربهد بمحمد (روبن، ۴۴۵).

ترجمه فارسی:

۱۱ ... و سی و سه. باشد که با پشتیبانی آسمان و زمین و توانمندی‌های مردان، این کتیبه [حفظ شود] در برابر هر -
۱۲ ... گونه آسیب و بی‌حرمتی تصنیف، نوشته و اجرا شد به نام رحمانان
روایت تمیم/تمام ذوحضیت. ربّ یهودیان، با [شخص] ستوده (محمد) (روبن، ۲۸۶).
در پایان سطر دوازدهم در پی خطاب به «ربّ یهودیان»، یعنی رحمانان، خطاب
محمّد آمده است. نظر به فقدان تنوین، این نام اشاره به شخصی معین و شناخته شده
نزد یهودیان دارد؛ لذا این نام معرفی است. عدم اشاره به این نام در فرهنگ واژگان
سبئی نیز تأییدی بر خاص بودن این واژه است (Beeston, Ghul, Müller &)

Ryckmans, 83-89). به باور یوزف فان. اس، اگر بتوان این تعبیر را به «یا محمد» ترجمه کرد، آن‌گاه می‌توان چنین حدس زد که جامعه یهودیان جنوب عربستان در سده ششم میلادی در انتظار ظهور منجی یا همان مسیح با نام «محمد» یا همان ستوده بوده‌اند. البته یکی از نویسندگان این فرهنگ واژگان، یعنی آلفرد فلیکس لندُن بیستن، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مجدد دو کتیبه بئر حمی» حدس دیگری را هم مطرح ساخته و چنین برداشت کرده که «م.ح.م.د» لقب رحمانان بوده‌است (Beeston, 45). یوزف فان. اس در توجیه هم‌نامی این نام با نام خاتم النبیین، محمد مصطفی ﷺ چنین حدس زده است که حضرت محمد ﷺ در ابتدا نام دیگری داشته و بعدها این نام را به خود اختصاص داده است. اما همان‌گونه که خود یوزف فان. اس هم در ادامه یادداشت خود در این باره به نقل از بول بدان اعتراف کرده، چنین حدسی فاقد سند و مدرک بوده و پاسخ روایات اسلامی به آن منفی است (van. Ess, I/3, [Fußnote: 3; فان. اس، ۳/۱ [پ ۳]).

کتاب‌های کتیبه‌های سبئی و حسائی عربستان سعودی آلبرت یامه، کلام و جامعه یوزف فان. اس، ۱۴۰۰ سال پادشاهی در عربستان پیش از اسلام کریستین ژولین روبن و اعراب و امپراتوری‌های پیش از اسلام زیر نظر گرگ فیشر (در ضمن مقاله‌ای از روین)، و همچنین مقاله «بررسی مجدد دو کتیبه بئر حمی» آلفرد فلیکس لندُن بیستن از جمله پژوهش‌های در خور تأملی‌اند که به این کتیبه هم اشاره کرده و به بحث و بررسی درباره آن پرداخته‌اند.

در پایان، اشاره‌ای هم به این موضوع در شعر فارسی خالی از لطف نیست. شیخ محمود شبستری در گلشن راز در لطیفه‌ای زیبا بین واژه‌های «احد» و «احمد» شباهتی جسته و بدین زیبایی با بیانی عرفانی ظهور «احد» در «احمد» را به نظم کشیده است:

احد در میم احمد گشت ظاهر در این دور آمد اول عین آخر

[ز احمد تا احد یک میم فرق است همه عالم درین یک میم غرق است]

(البته ظاهراً بیت دوم تنها در دو نسخه خطی متعلق به خانقاه نعمت‌اللهی آمده است:

شبستری، ۲ [پاورقی ۷]، مقدمه نوربخش، (۱).

شخص دیگری واژه «محمد» ﷺ را هم به آن دو واژه افزوده و بدین شکل میان احمد آسمانی و محمد زمینی پیوند زده است:

احد با کاف و نون از ذات باری	به میم اول احمد زد تجلی
به اذن ذات باری، حیّ سرمد	به میم دوم احمد شد محمد

نتیجه

کهن‌ترین متن مکتوب حاوی نام «محمد» در میان منابع اسلامی قرآن کریم است که در یک آیه به نام «احمد» و در چهار آیه به نام «محمد» ﷺ اشاره کرده است. جستجوی نام «محمد» در میان عرب عصر جاهلیت بر اساس منابع تاریخ و سیره، به سده سوم هجری برمی‌گردد. از مهمترین این منابع می‌توان به ۱- *الطبقات الکبری* ابن سعد، ۲- *المحبر* ابن حبیب، ۳- *المعارف* ابن قتیبه، ۴- *معرفه الصحابه* ابونعیم اصفهانی، ۵- *تاریخ مدینه دمشق* ابن عساکر، ۶- *الروض الأنف* سهیلی، ۷- *أسد الغابه* ابن اثیر، ۸- *الاكتفاء* حمیری کلاعی آندلسی، ۹- *وفیات الأعیان* ابن خلکان و ۱۰- *البدایه و النهایه* ابن کثیر اشاره کرد. شمار افراد «محمد» نام در میان این منابع به اختلاف، ۳، ۴، ۶ و یا ۷ نفر ذکر شده است. در بیان سلسله نسب و ضبط نام افراد هم در منابع دقت کافی وجود ندارد. قرار گرفتن اکثر قریب به اتفاق این افراد از میان بنو تمیم هم احتمال جعل در جهت ساخت افتخارات و مآثر قبیله‌گی را افزایش می‌دهد. یکی از روایان اصلی این گونه روایات، عدی بن ربیع (از بنو تمیم) و منبع خیلی از آثار متأخر هم کتاب *معرفه الصحابه* ابونعیم اصفهانی (سده پنجم) است. در میان این افراد «محمد» نام هم بنا بر نقل مشهور، نخستین فردی که محمد نام گرفت محمد بن سفیان بن مجاشع بن دارم بن مالک بن حنظله بن مالک بن زیدمنه بن تمیم است. در مجموع، با وجود دلالت ضمنی این گونه روایات بر شناخت نام «محمد» توسط عرب عصر جاهلیت، هیچ‌کدام سند و مدرک محکمی در این باره شمرده نمی‌شود و کهن‌ترین این منابع مربوط به سده سوم است. این مقاله در جستجوی اسناد، مدارک و شواهد دالّ بر وجود نام مبارک حضرت محمد ﷺ که گفته می‌شود مربوط به دوران پیش از اسلام است،

به سه دسته اسناد، مدارک و شواهد قطعی، ظنی و جعلی دست یافت که می‌توان از کتیبه شَرَحِ اِیْلِ یَقْبُلُ ذَوِیْزَانَ در توصیف محاصره نگران (نَجْران) به‌عنوان سندی قطعی، از اشارات موجود در کتاب مقدس به‌عنوان اسناد، مدارک و شواهدی ظنی، و بالأخره از لوح منسوب به کشتی نوح و لوح سلیمانی به‌عنوان اسنادی جعلی یاد کرد. کهن‌ترین سند معتبر برجای مانده که به صراحت به نام مبارک محمد ﷺ اشاره کرده، کتیبه شَرَحِ اِیْلِ یَقْبُلُ ذَوِیْزَانَ در توصیف محاصره نگران (نَجْران) مربوط به سال ۵۲۳م است که توجه پژوهش‌گران را جلب کرده است. هرچند که این پژوهش‌گران تلاش کرده‌اند تا به نوعی بحث را منحرف کرده و اهمیت این اکتشاف بزرگ را کم‌رنگ کنند. ولی واقعیت این است که این سند مهم یک اکتشاف بزرگ علمی است که تقریباً می‌توان گفت تردیدی برای پژوهش‌گران در شناخت نام پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ با عنوان «م.ح.م.د» در نزد جوامع یهودی جزیره‌العرب پیش از اسلام باقی نمی‌گذارد و شایسته است پژوهش‌های تکمیلی دیگری در این باره صورت گیرد. در ضمن، شایسته است که مسلمانان نسبت به برجسته‌سازی این سند بی‌نظیر و رسانه‌ای کردن آن - به‌جای اسناد ظنی و جعلی! - اقدام و محل مذکور را به‌عنوان یک منطقه محافظت شده به موزه تبدیل کنند. کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان نیز دربردارنده اشاراتی به نام محمد ﷺ است که با تفسیرهایی دیگر از این معنا منحرف شده و موجب تردیدهایی در انتساب متون موجود به حضرت محمد ﷺ شده‌است. حمده و احمد از جمله نام‌هایی است که ظاهراً در این کتاب مقدس به آنها اشاره شده و افرادی چون عبدالأحد داود آنها را نام‌هایی در اشاره به نام پیامبر ﷺ شمرده‌اند. برخی نیز با ارائه معنایی دیگر از این واژه‌ها موجب تردیدهایی در اشاره این واژه‌ها به رسول خدا شده و این‌گونه اسناد را به اسنادی ظنی تبدیل کرده‌اند.

«محمد» پیش از محمد ﷺ: پژوهشی درباره اسناد و مدارک حاوی نام «محمد» پیش از اسلام



منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، أبو الحسن عزالدین علی بن محمد، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.
- ابن حبیب، ابوجعفر محمد بن حبیب بن أمیه، المحبّر، تحقیق سید کسروی، قاهره، دار الغد العربی، ۱۴۲۱.
- ابن حجر، ابوالفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- ابن خلّکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر بن خلّکان، وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان، تحقیق احسان عباس، قم، الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع هاشمی بصری، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- ابن عساکر، ابوالقاسم ثقة الدین علی بن حسن دمشقی، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
- ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲ م.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر قرشی دمشقی، البدايه و النهايه، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
- ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن مهران، معرفه الصحابه، تحقیق محمد حسن اسماعیل و مسعد عبدالحمید سعدنی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲.
- امامی کاشانی، محمد، خطّ امان؛ پژوهشی در موعود ادیان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶ ش.
- امیری سوادکوهی، محمد، اتمام حجت: رهیافتی به استدلالها و حجت های گسترده اثبات حقایق امیرالمؤمنین علی علیه السلام، قم، سلسله، ۱۳۹۱ ش.
- اویسی، محسن، «کتیبه نوح علیه السلام که روی آن نام پنج تن آل عبا است»، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ ش؛
- Retrieved Dec. 11, 2023, from <https://hajj.ir/fa/89875>.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، باستان شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- _____، کشف کشتی نوح در جودی، تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- بنیامین، داود، محمد در تورات و انجیل، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران، نشر نو، ۱۳۶۱ ش.
- حسینی طهرانی، سید محمد حسین، معادشناسی، دوره علوم و معارف اسلام ۳، تهران، انتشارات علامه طباطبایی، ۱۳۸۱ ش.
- حمیری کلاعی اندلسی، ابوالربیع سلیمان بن موسی بن سالم، الإکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله



- صلی الله علیه و سلم و الثلاثة الخلفاء، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
- ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶.
- روبن، کریستین ژولین، ۱۴۰۰ سال پادشاهی در عربستان پیش از اسلام، ترجمه محمدعلی خوانینزاده، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۰۱ ش.
- سهیلی، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله سهیلی خثعمی، الروض الأنف فی شرح السیره النبویه لابن هشام، به کوشش عبدالرحمن الوکیل، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲.
- سبحانی، جعفر، أحمد موعود الإنجیل، بیروت، دار الهادی للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۳/۱۹۹۳ م.
- سیالکوتی، سید محمود، علی و پیامبران: پیشگویی پیامبران گذشته درباره خاتم انبیاء و اهل بیت گرامیش و توسلشان به این بزرگواران، ترجمه سید محمد مختاری، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۰ ش.
- شبستری، شیخ محمود، گلشن راز، تصحیح جواد نوربخش، تهران، خانقاه نعمت اللهی، ۱۳۵۵ ش.
- شیخ شعاعی، فهیمه و پرستو مسجدی، «بررسی باستان‌شناسی مکان کشتی نوح از منظر قرآن»، قرآن، ادب و هنر (مجموعه مقالات)، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵ ش؛
Retrieved Dec. 11, 2023, from <https://rasekhoon.net/article/show/867991>.
- صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین در آنچه پیامبران الهی راجع به پیامبر اسلام پیشگویی کرده‌اند، قم، شکرانه، ۱۳۹۲ ش.
- فاسی، تقی الدین محمد بن احمد، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، ترجمه محمد مقدس، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ ش.
- فان. اس، یوزف، کلام و جامعه در سده‌های دوم و سوم هجری: تاریخ اندیشه‌ی دینی در صدر اسلام، ترجمه فرزین بانکی و احمدعلی حیدری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۷ ش.
- مقریزی، ابوالعباس تقی الدین احمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید نمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
- مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵ ش.
- نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب، نهاییه الأرب فی فنون الأدب، قاهره، وزاره الثقافه و الإرشاد القومي، ۱۴۲۳ ق/۲۰۰۲ م.
- «استغاثه حضرت سلیمان به (پنج تن آل عبا)»، العتبه الحسينیه المقدسه، ۲۰۱۵ م؛
Retrieved July. 02, 2024, from <https://imamhussain.org/persian/12652>.
- «توسل انبیای الهی به پنج تن آل عبا در کلام علامه طهرانی»، ۱۷ دی ۱۳۸۶ ش؛
Retrieved Dec. 11, 2023, from <https://iqna.it/fa/news/1618304>.
- «کتیبه سلیمان ﷺ که روی آن نام «پنج تن آل عبا» است + عکس»، ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ ش؛
Retrieved Dec. 11, 2023, from <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1360036>.

- «کتیبه نوح عليه السلام که روی آن نام پنج تن آل عبا است + عکس»، ۶ فروردین ۱۳۹۶ش؛ Retrieved Dec. 11, 2023, from <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1364170>.
- «کتیبه های جعلی سلیمان و نوح از کجا آمده اند؟»، ۲۸ آبان ۱۳۹۷ش؛ Retrieved Nov. 30, 2023, from <https://factnameh.com/fa/fact-checks/2018-11-19-solomon-inscription>.
- «کشف کشتی نوح با کتیبه ۵ تن آل عبا پس از ۴۰۰۰ سال + عکس ها»، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ش؛ Retrieved Dec. 11, 2023, from <http://askdin.com/thread>.
- «لوح باستانی توسل حضرت سلیمان عليه السلام به پنج تن آل عبا»، ۱ بهمن ۱۳۹۶ش؛ Retrieved Nov. 30, 2023, from <https://article.tebyan.net/403834>.
- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، مثنوی معنوی: بر اساس نسخه‌ی قونیه مکتوب به سال ۶۷۷ق و مقابله با تصحیح و طبع نیکلسون، به کوشش قوام‌الدین خرمشاهی، تهران، ناهید، ۱۳۷۸ش.
- Beeston, Alfred Felix Landon; "Two Bi'r Himā Inscriptions Re-Examined", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS)* vol. 48, no. 1, 1985.
- Beeston, A.F.L., M.A. Ghul, W.W. Müller & J. Ryckmans; *Sabaic Dictionary (English-French-Arabic)/ Dictionnaire Sabéen (anglais-français-arabe)*; éditions Peeters, Louvain-la-Neuve, Yemen: Publication of the University of Sanaa, YAR, 1982.
- Dawud, 'Abdu 'L-Ahad; *Muhammad in the Bible*; Malaysia: Penerbitan Pustaka Antara, third edition, December 1987.
- Robin, Christian Julien, "Himyar, Aksūm, and Arabia Deserta in Late Antiquity: The Epigraphic Evidence," in Fisher, Greg (ed.); *Arabs and Empires before Islam*; United Kingdom: Oxford University Press, first edition, 2015.
- van. Ess, Josef; *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. Jahrhundert Hidschra: eine Geschichte des religiösen Denkens im frühen Islam*; Band I, Berlin-New York: Walter de Gruyter, 1991.
- Zammit, Martin K., *A comparative lexical study of Qur'anic Arabic*, Leiden-Boston-Köln: Brill, 2002
- *Law, Prophets, Writings; the old testament in the original tongues* Jacob ben Chayim Textus Receptus with critical apparatus, [London:] revision: Tigran A. Aivazian, 25th April 2003.